

سلسله تبار خاندان های پهلوانی در شاهنامه فردوسی

سعدالله رحیمی^۱، کبری رحیمی^۲^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان^۲ کارشناس ارشد مطالعات زنان، بافت

چکیده

بر هر ملتی پژوهش در روایات اساطیری و حماسی و تاریخی خویش لازم است تا از بن مایه ادبی و فرهنگی و اجتماعی خود آگاه شود و به رکن دانایی خویش برسد و توانا گردد. فردوسی با احترام به انسان و منش انسانی از اساطیر و شاهان و از حماسه و پهلوانان سخن می گوید. پهلوانان باغیرت و سلحشور و خوش اخلاق از جاودانان تاریخ اسطوره ای و حماسی و تاریخدان شمرده می شوند و هرگز از طرف دوستداران وطن دوست و استقلال طلب مردم سرزمین هایشان فراموش نمی شوند و خوی و خصلت های مردانگی آنان همه جا جار کشیده می شود تا حیثیت و آبروی دوران زنده بودن و زندگی کردن آنان الگو قرار گیرد و به آبادانی و رفاه و ساده زیستن مردمان هر دوره ای کمک شود. پیوندی که به انواع منظومه های حماسی دوران گذشته زده می شود پس از عبور از اسطوره ادامه می یابد. این روایات از مهاجرت مردمی که از سرزمین اولیه خود به اقلیم پهناور ایران آمدند نشأت می گیرد و به حماسه جان می بخشد. آثار شفاهی به مکتوب درمی آیند تا پاسدار بیدار سرزمین مردانگی و سلحشوری ایران باشند. آشنایی با خاندان های شاهنامه فردوسی، میل به دوستی با اجداد و نیاکان ایرانیان و ملت های همجوار را می افزاید. حکیم وطن دوست شهیر ایران بیش از هزار سال قبل رفتار و کردار و افکار شاهان و پهلوانان و مردم سرزمینش را با قلم توانای خود به رشته تحریر درآورده است تا امروزیان و آیندگان از این خرمن گرانسنگ توشه بگیرند و رگ غیرتشان برای حفظ سرزمینشان همچون برگ های کتاب خوانده شده چاق گردد و بر این فربهی بر خویش ببالند و قوه خیال آمال خود را پرورش دهند و مردمانی فرهیخته و بافرهنگ شوند، همچنان که نیاکان آنان بوده اند و توقع داشته اند نوادگانشان اینچنین باشند.

واژه های کلیدی: کتاب، فردوسی، پهلوان، خاندان